

بررسی بیع عربون (بیعانه) در فقه اسلامی و قانون مدنی افغانستان

نگارنده: پوهنیار جلیل احمد خلیلی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی و قانون مدنی افغانستان، موضوع «بیعانه» است که فقهای اسلامی از آن به «بیع عربون» یا «ارَبون» تعبیر کرده‌اند. بیع عربون عقدی است که در آن خریدار بخشی از ثمن را به‌عنوان پیش‌پرداخت به فروشنده می‌پردازد. این پرداخت به شرطی است که اگر عقد بیع انجام شود، مبلغ پرداختی جزو ثمن محسوب شود و در صورت عدم تحقق عقد، به فروشنده تعلق گیرد. هدف این تحقیق بررسی مفهوم و حکم بیعانه در مذاهب فقهی اسلامی و قانون مدنی افغانستان است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی بوده و منابع معتبر کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیع عربون از جمله عقود مقترن به شرط است و احکام آن در مذاهب اسلامی متفاوت است: نزد احناف فاسد، نزد شافعی‌ها و مالکی‌ها باطل و نزد حنبلی‌ها مباح است. جمهور فقها مبلغ عربون را بخشی از قیمت اصلی می‌دانند. در قانون مدنی افغانستان تعریف مشخصی از بیعانه وجود ندارد، اما عقد صحیح شناخته شده و پرداخت بیعانه در زمان ابرام عقد، دلیل قطعیت آن است، مگر آنکه توافق یا عرف خلاف آن باشد. در صورت انصراف بیعانه‌دهنده، حق استرداد ندارد و انصراف بیعانه‌گیرنده مستلزم پرداخت اصل بیعانه و معادل آن است. بیعانه به‌عنوان ابزار تثبیت قرارداد و تضمین تحقق تعهدات مالی، نقش مهمی در معاملات در کشورهای اسلامی دارد و شناخت احکام آن برای حقوق‌دانان و معامله‌گران اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژه‌گان کلیدی: بیع، ثمن، عربون، فقه، قانون مدنی.

۱ - عضو کادر علمی پوهنچي حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون هریوا.

Hariwa University (Research and Scientific Journal)

First Year, Volume I, First Number, Winter 2026

Hariwa (Journal of Law and Political Science)

Publisher: Hariwa University

Website: <https://journals.edu.gov.af>

An Analysis of Bai' al-'Urbun (Down Payment) in Islamic Jurisprudence and the Afghan Civil Code

Author: Teaching assistant Jalil Ahmad Khalili*

Abstract

One of the significant topics in Islamic jurisprudence and the Civil Code of Afghanistan is the concept of Bay' Arabun (earnest money or deposit). Bay' Arabun is a contract in which the buyer pays part of the purchase price in advance. If the sale is completed, the amount counts toward the total price; if not, it belongs to the seller. This study aims to examine the concept and ruling of Bay' Arabun according to Islamic schools of thought and Afghan civil law. The research uses an analytical-descriptive method and relies on reputable library sources. Findings indicate that Bay' Arabun is a conditional contract, with varying rulings across Islamic schools: invalid according to Hanafi, Shafi'i, and Maliki schools, and permissible according to the Hanbali school. Most scholars consider the amount part of the total price. Although Afghan civil law does not define Bay' Arabun explicitly, it recognizes the contract as valid. Payment of earnest money at the time of concluding the contract confirms its certainty, unless otherwise agreed or customary. If the depositor withdraws, the amount is not refundable; if the recipient withdraws, the original amount and its equivalent must be returned. Bay' Arabun serves as a tool to secure contracts and ensure financial obligations, making it an important mechanism in transactions across Islamic countries. Understanding its rules is crucial for legal professionals and traders alike.

Keywords: Sale, Price, Arabun, Islamic Jurisprudence, Civil Law.



Received: ۲۰۲۵/۰۱/۰۲

Published: ۲۰۲۶/۰۳/۰۱

Number of Pages: ۱۶

Hariwa University (Research and Scientific Journal)



*- Member of the Faculty of Law and Political Science, Hariwa University.
Email: jalilahmadkhalili3@gmail.com

۱. مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ، وَنُسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

أَمَّا بَعْدُ؛

شریعت اسلامی به منظور تنظیم روابط میان افراد جامعه و ایجاد نظم در مناسبات اجتماعی، قواعد و احکام فقهی خاصی وضع کرده است. این قواعد چارچوبی فراهم می‌آورند که افراد بتوانند در سایه آن به معاملات و داد و ستد پرداخته و نیازهای خود را برآورده سازند. یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی و قوانین وضعی، موضوع بیعانه است که فقها آن را به «بیع عربون» یا «اربون» تعبیر کرده‌اند.

در زندگی روزمره، معاملات متعددی میان افراد صورت می‌گیرد. در بسیاری از این معاملات، طرفین به دلایلی سرمایه کافی برای انعقاد نهایی عقد را در اختیار ندارند، با این حال تمایل شدیدی به انجام معامله یا خرید کالای مورد نظر دارند. در چنین شرایطی، مشتری تلاش می‌کند بخشی از مبلغ (ثمن) را به‌عنوان پیش‌پرداخت به فروشنده بپردازد. این پیش‌پرداخت علاوه بر ایجاد اطمینان برای فروشنده، می‌تواند به‌عنوان بخشی از کل مبلغ معامله محسوب شود و سبب قطعیت عقد گردد.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که موضوع بیعانه و احکام مرتبط با آن کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. در آثار مکتوب، عده محدودی از نویسندگان تنها به‌صورت اشاره‌های کوتاه و پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند. در منابع عربی نیز، بحث درباره بیعانه عمدتاً مطابق فقه اهل سنت و به‌صورت پراکنده مطرح شده است. با این حال، بررسی تخصصی و جامع در این زمینه، به‌ویژه با توجه به قوانین افغانستان، کمتر انجام شده است.

این تحقیق تلاش دارد تا جنبه‌های مختلف بیعانه را مطابق فقه مذاهب اهل سنت و قانون مدنی افغانستان بررسی و به‌صورت جامع ارائه کند. تفاوت اصلی این پژوهش با تحقیقات پیشین در چند نکته است: نخست، موضوع بیعانه به‌طور مقایسه‌ای میان مذاهب فقهی اسلامی و قانون مدنی افغانستان

بررسی شده است؛ دوم، تحقیق به زبان فارسی نگاشته شده و تلاش دارد موضوع را با رویکردی جامع و قابل فهم برای فارسی‌زبانان ارائه دهد.

هدف اصلی تحقیق، تبیین مفهوم و حکم بیعانه بر اساس فقه مذاهب اهل سنت و قانون مدنی افغانستان است. اهمیت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که بیع عربون از بیع‌های رایج در کشورهای اسلامی است. پرسش اساسی تحقیق این است که: آثار و احکام بیعانه مطابق مذاهب فقهی اسلامی و قانون مدنی افغانستان چگونه است؟

روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و منابع معتبر کتابخانه‌ای پایه و اساس پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۲. مفهوم بیع عربون (بیعانه) در فقه اسلامی

یکی از مباحث مهم فقه اسلامی در حوزه معاملات، بیع عربون یا بیعانه است که امروزه در عرف نیز رایج است. در این بخش ابتدا تعریف بیع و سپس تعریف و حکم بیع عربون مطابق فقه مذاهب اسلامی و قانون مدنی بررسی می‌شود.

۲-۱. تعریف بیع

فقها بیع را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مبادله المال بالمال - علی سبیل التملک و التملیک - عن تراضٍ». (عتر، ۱۴۲۶ه: ۱۱۴)

یعنی بیع عبارت است از مبادله مال با مال دیگر به قصد تملک و تملیک، بر اساس رضایت طرفین.

۲-۲. تعریف بیع عربون (بیعانه)

فقها در کتب فقهی خود اصطلاح «بیعانه» را به صورت مستقیم ذکر نکرده‌اند، بلکه آن را تحت عنوان «بیع عربون» یا «بیع اربون» مورد بحث قرار داده‌اند. در ادامه به مفهوم و تعریف بیع عربون در فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. عربون در لغت

عربون به معنای چیزی است که به واسطه آن عقد بیع بسته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۰ه: ۲۸۴/۱۳). ابن منظور در کتاب خود «لسان العرب» می‌گوید: عربون یا اربون واژه‌ای است که به اشکال مختلف در لغت عرب به کار رفته و شش شکل برای آن ذکر شده است:

لث عربان و عربون (با ضم عین و سکون راء)

لث عربون (با فتح عین و راء)

لث اربان، اربون و اربون (با همزه به جای عین)

در میان این اشکال، عربون (با فتح عین و راء) رایج‌ترین و فصیح‌ترین تلفظ است که واژه‌ای عجمی و غیرعربی محسوب می‌شود. معنای اصلی عربون در لغت، تسلیف و تقدیم، یعنی پرداخت مقداری از مال به عنوان پیش‌پرداخت است (نووی، بی تا: ۶/۳).

عربون در لغت به معنای پیش‌پرداخت یا تسلیف است که در معاملات، به عنوان مقدمه‌ای برای انعقاد عقد بیع به کار می‌رود. در ادامه، به بررسی مفهوم بیع عربون در فقه مذاهب اهل سنت و قانون مدنی و احکام مرتبط با آن خواهیم پرداخت.

۲-۲-۲. بیع عربون در اصطلاح

این تعریف در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته و در مذاهب چهارگانه اهل سنت، تعاریف و احکام مشخصی برای آن ارائه شده است. در ادامه، تعریف بیع عربون از دیدگاه هر یک از این مذاهب و قانون مدنی بررسی می‌شود:

اول: تعریف بیع عربون نزد احناف: فقهای مذهب حنفی، بیع عربون را این گونه تعریف کرده‌اند: العربون أو العربان: هو أن يدفع المشتري ديناراً أو غيره على أنه إن أنجز البيع فهو من الثمن، وإن لم يُنجزه، فهو هبة من المشتري للبائع. فهو بيع مع خيار للمشتري. (زحیلی، ۱۴۳۱ه: ۱ / ۴۶۱) (عثمانی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۱۱۹)

یعنی: بیع عربون آن است که مشتری مقداری از ثمن (بهای معامله) را به فروشنده پرداخت کند، به این شرط که:

لث اگر عقد بیع نهایی شد، مبلغ پرداخت‌شده بخشی از ثمن محسوب شود.

لث اگر عقد بیع نهایی نشد، مبلغ پرداخت‌شده به عنوان هبه از سوی مشتری به فروشنده تعلق گیرد.

در این نوع بیع، خیار (حق فسخ) برای مشتری ثابت می شود، اما برای فروشنده (بایع) چنین حقی وجود ندارد و عقد برای او لازم و قطعی می گردد. (زحیلی، ۱۴۳۱ه: ۱/ ۴۶۱). (زحیلی، ۱۴۳۱ه: ۱/ ۱۸۲).

به عبارت دیگر: در بیع عربون، مشتری با پرداخت مبلغی، شرط خیار (حق فسخ) را برای مدت معینی برای خود محفوظ می دارد. به این شرط:

لَاَ اِذَا عَقِدَ بَیْعَ نَهَائِیْ شَدَّ، مَبْلَغُ پَرْدَاخْتِ شَدَّهٔ بَخْشِیْ اَز ثَمَنِ مَحْسُوبِ شُود.
 لَاَ اِذَا مَعَامَلَهٔ نَهَائِیْ نَشُود، فَرُوشَندهٔ مُسْتَحَقَّ عَرَبُونِ (بِیعَانَه) مِی شُود وَ مَبْلَغُ پَرْدَاخْتِ شَدَّهٔ بَه مُشْتَرِی بَاز گَرْدَانْدَه نَمِی شُود. بَیْع بَه اِیْن شَرْط، دَر نَزْد جَمْهُورِ فُقَهَاءِ مَمْنُوع وَ نَاجِیز اَسْتُ. وَ بَرای فَرُوشَندهٔ جَایز نِیست کِه بِیعَانَه رَا بَرای خُود بَگیرَد. بَلْکِه لَازِم اَسْتُ کِه اَنْرَا بَرای مُشْتَرِی بَاز گَرْدَانْد. (زحیلی، ۱۴۳۱ه: ۱/ ۴۶۱). (عثمانی، ۱۳۳۶ه: ۲، ۱۱۳۸).

دوم: تعریف بیع عربون نزد مالکی ها: فقهای مذهب مالکی، بیع عربون را این گونه تعریف کرده اند: اَنْ یَشْتَرِی الرَّجُلُ الْعَبْدَ، اَوْ الْوَلِیْدَةَ، اَوْ یَتَّكَارِی الدَّابَّةَ، ثُمَّ یَقُولُ لِلَّذِی اشْتَرٰی مِنْهُ، اَوْ تَكَارٰی مِنْهُ: اَعْطِیْكَ دِیْنَارًا، اَوْ دَرْهَمًا، اَوْ اَكْثَرَ مِنْ ذَلِكْ، اَوْ اَقْلَ، عَلٰی اَنْیْ اِنْ اَخَذْتُ السَّلْعَةَ، اَوْ رَكْبَتَ مَا تَكَارٰی مِنْكَ، فَالَّذِی اَعْطِیْتُكَ هُوَ مِنْ ثَمَنِ السَّلْعَةِ، اَوْ مِنْ كَرَاءِ الدَّابَّةِ، وَاِنْ تَرَكْتُ ابْتِیَاعَ السَّلْعَةِ، اَوْ كَرَاءِ الدَّابَّةِ، فَمَا اَعْطِیْتُكَ لَكَ. (امام مالک، ۸۷۹/۴، رقم ۵۴۱).

امام مالک رحمه الله در کتاب الموطا درباره بیع عربون چنین توضیح داده است: بیع عربون آن است که شخصی غلام، کنیز یا چهارپایی را خریداری کند یا چهارپایی را اجاره نماید و سپس به فروشنده یا اجاره دهنده بگوید: «مقداری پول از قیمت اصلی به تو پرداخت می کنم، به این شرط که اگر کالا را گرفتم یا چهارپا را استفاده کردم، مبلغ پرداختی از قیمت اصلی محسوب شود، و اگر کالا را نگرفتم، مبلغ پرداختی از آن تو باشد.

سوم: تعریف بیع عربون نزد شافعی ها: در مذهب شافعی، بیع عربون صحیح نیست. تعریف بیع عربون در کتاب مغنی المحتاج چنین آمده است:

ولا یصح بیع العربون وهو بأن یشتري سلعة ویعطیه دراهم مثلاً لتکون من الثمن إن رضی السلعة وإلا فیهة.

یعنی؛ بیع عربون آن است که شخص کالایی را خریداری کرده و مبلغی پول پرداخت کند. اگر به کالا رضایت داد، مبلغ پرداختی از قیمت اصلی کالا محسوب شود و اگر به کالا رضایت نداد، آن مبلغ به عنوان هبه (هدیه) از سوی خریدار به فروشنده در نظر گرفته شود. (شریعی، بی تا: ۲/ ۳۹).

چهارم: تعریف بیع عربون نزد حنابله: فقهای مذهب حنبلی، بیع عربون را این گونه تعریف کرده اند: هو أن یشتري السلعة فیدفع إلی البائع درهماً أو غیره علی أنه إن أخذ السلعة احتسب به من الثمن، وإن لم يأخذها فذلک للبائع.

در کتاب المغنی آمده است که بیع عربون آن است که مشتری کالایی را خریداری کند و مقداری از پول را به فروشنده بپردازد، به این شرط که اگر کالا را گرفت، مبلغ پرداختی از قیمت اصلی کالا کسر شود و اگر کالا را نگرفت، آن مبلغ از آن فروشنده باشد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ه: ۴/ ۱۷۵). (عثمانی، ۱۳۳۶: ۱۱۴)

پنجم: تعریف بیع عربون در قانون مدنی افغانستان: قانون مدنی افغانستان احکام و آثار بیعانه را به صورت واضح بیان کرده است، اما تعریف مشخصی از بیعانه ارائه نکرده است. از مواد «۵۳۱»، «۵۳۲»، «۵۳۳» قانون مدنی چنین برداشت می شود که بیعانه عبارت است از پرداخت قسمتی از قیمت اصلی کالا به فروشنده به منظور قطعی کردن عقد.

❧ اگر عقد بسته شود: بیعانه از قیمت اصلی کسر می شود.
❧ اگر پرداخت کننده بیعانه از عقد منصرف شود: حق استرداد بیعانه را نخواهد داشت. (قانون مدنی، ۱۳۵۵: مواد ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳)

۳-۲-۲. حکم بیع عربون و دلایل جواز و عدم جواز آن

بیع عربون (بیعانه)، همان طور که قبلاً تعریف شد، از لحاظ حکم میان فقها محل اختلاف است:

❧ جمهور فقها (حنفی ها، شافعی ها و مالکی ها) معتقدند این نوع بیع ممنوع و غیر صحیح است :
❧ در نزد حنفیه: فاسد

در نزد شافعیه و مالکیه: باطل

✧ حنبله معتقدند بیع عربون مباح و صحیح است.

به بیان دیگر، در بیع عربون، خیار برای مشتری ثابت می‌شود، اما برای فروشنده (بایع) بیع لازم خواهد بود. همچنین، مدت خیار در این نوع بیع محدود به زمان خاصی نیست (زحیلی، ۱۴۰۴: ۴/ ۴۴۸-۴۵۰). از تعاریف فوق مشخص می‌شود که بیع عربون دو حالت دارد:

حالت اول: انعقاد عقد بیع یا اجاره: در این حالت، اگر عقد بیع یا اجاره میان مشتری و فروشنده منعقد شود، مبلغ عربون (بیعانه) از قیمت اصلی کالا یا اجاره محسوب می‌شود. در این صورت، بیع عربون بدون اشکال و ممنوعیت بوده و نزد فقها جایز است. (الاستدکار، ۲۶۵/۶)

حالت دوم: انصراف مشتری از عقد یا گرفتن کالا (مبیع): اگر مشتری مبلغ عربون (بیعانه) را پرداخت کند، اما پس از آن از انعقاد عقد یا گرفتن کالا منصرف شود، فقها در این مورد اختلاف نظر دارند که آیا مبلغ عربون برای فروشنده یا اجاره‌دهنده محسوب می‌شود یا خیر.

نظرات اهل علم در حالت دوم: در خصوص حالت دوم، یعنی انصراف مشتری، اهل علم دو نظر اصلی دارند:

نظر اول: حرام بودن بیع عربون (بیعانه): جمهور فقها از جمله احناف، مالکی‌ها، شافعی‌ها و در یکی از روایات امام احمد بن حنبل، بیع عربون را ناجایز می‌دانند. دلایل آن‌ها به شرح زیر است:

دلیل اول: قرآن کریم: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (سوره نساء: آیه ۲۹).

ترجمه: «ای مؤمنان! اموال خود را در میان خود به ناحق نخورید، مگر آن که تجارتی باشد با رضایت دو طرف، و خود را نکشید. بی‌گمان خداوند نسبت به شما مهربان است.»

✧ فقها استدلال کرده‌اند که گرفتن عربون، نوعی خوردن مال به باطل است، زیرا از باب بیع غرر و قمار بوده و گرفتن مال بدون عوض و هبه به اجماع باطل است (قرطبی، ۱۳۸۳: ۱۵۰/۵).

دلیل دوم: حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم): عمرو بن شعیب از پدرش و از پدر بزرگش روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ بَيْعِ الْعَرَبُونَ» (سجستانی: ۱۴۳۳/۳/۲۸۳، حدیث شماره ۳۵۰۲ و قزوینی: ۱۴۱۸/۲/۷۳۸، حدیث شماره ۲۱۹۲) ترجمه: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از بیع عربون نهی فرمودند.»

✸ مخالفان این حدیث معتقدند که این روایت ضعیف است، زیرا در سلسله راویان آن فردی مبهم وجود دارد. طبق علم مصطلح الحدیث، حدیثی که در آن راوی مجهول باشد، ضعیف بوده و استدلال به آن صحیح نیست. همچنین، اصل در اشیاء اباحت است و چیزی حرام نمی شود مگر با دلیل صحیح.

پاسخ جمهور فقهاء: حدیث مذکور از طرق مختلفی روایت شده و برخی از این طرق، یکدیگر را تقویت می کنند، بنابراین استدلال به آن صحیح است. (شوکانی، ۱۴۱۳: ۵/۱۸۲)

دلیل سوم: وجود غرر و مخاطره در بیع عربون

در بیع عربون، غرر (ابهام) و مخاطره وجود دارد و گرفتن مال بدون عوض محسوب می شود. همچنین، در آن دو شرط فاسد وجود دارد:

- ❖ شرط هبه: فروشنده بدون عوض، مبلغ عربون را برای خود شرط می کند.
- ❖ شرط خیار بدون مدت: مشتری اختیار استرداد مبیع را بدون ذکر مدت دارد.
- ❖ شرط مسترد کردن عربون: فروشنده شرط می گذارد، در صورتی که بیع منعقد نشد، عربون مسترد گردد.

توضیح قیاس: این شرایط فاسد است، زیرا مشتری می تواند در هر زمان کالا را بازگرداند و مبلغ را دریافت کند. این حالت همانند شرطی است که مخالف قواعد بیع است. (ابن رشد، ۱۴۱۵ه: ۳/۱۸۱) پاسخ قائلین به جواز بیع عربون: کسانی که قائل به جواز بیع عربون هستند، معتقدند:

۱. بیع عربون خوردن مال به باطل نیست، بلکه نوعی غرامت است که مشتری در قبال محدود کردن فرصت فروشنده برای فروش کالا به دیگران پرداخت می کند.

۲. فروشنده ممکن است با این تعهد، فرصت فروش کالا به خریدار دیگری با قیمت بهتر را از دست بدهد. بنابراین، مبلغ عربون به عنوان جبران این ضرر برای فروشنده لحاظ می شود.

نظر دوم: مباح بودن بیع عربون (بیعانه): قول مشهور مذهب حنابله این است که بیع عربون جایز بوده و به دلایل زیر استدلال کرده‌اند:

دلیل اول: روایت زید بن اسلم: زید بن اسلم روایت کرده است: «إن النبی صلی الله علیه وسلم أحل العربان فی البیع» (مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۵، ص ۷، احادیث شماره ۲۳۱۹۵ و ۲۳۲۰۰) ترجمه: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بیع عربون را حلال دانسته است.» پاسخ مخالفان: این حدیث **مرسل** است و به همین دلیل استدلال به آن صحیح نیست. (شوکانی، ۱۴۱۳ هـ: ۲۸/۵)

دلیل دوم: روایت از نافع بن عبدالحارث: روی فیه عن نافع بن عبدالحارث: «أنه اشتری لعمر دار السجن من صفوان بن أمیه بأربعه آلاف درهم، فإن رضی عمر، کان البیع نافذاً، وإن لم یرضَ فلصفوان أربع مئه درهم.» (بیقهی، ۱۴۴۳ هـ.ق). حدیث شماره ۱۱۱۸۰.

ترجمه: روایت شده است که نافع بن عبدالحارث بندی خانه‌ای را برای حضرت عمر رضی الله عنه از صفوان بن امیه به چهار هزار درهم خرید، به این شرط که:

❖ اگر عمر رضی الله عنه راضی باشد، معامله نافذ شود.

❖ و اگر راضی نباشد، صفوان چهارصد درهم دریافت کند.

۳. نظر مجمع فقه اسلامی

مجمع فقه اسلامی نظر امام احمد بن حنبل را تأیید کرده و چنین فیصله نموده است:

❖ بیع عربون: فروش کالایی است که مشتری مبلغی را به عنوان عربون به بایع پرداخت می‌کند. اگر کالا را بگیرد، مبلغ پرداخت شده از قیمت اصلی کالا کسر می‌شود. اگر کالا را نگیرد، مبلغ پرداختی به فروشنده تعلق می‌گیرد.

تعمیم به اجاره: این حکم در اجاره نیز جاری است، زیرا اجاره، نوعی بیع منافع است.

استثنائات: بیع عربون در مواردی که قبض یکی از عوضین در مجلس عقد شرط صحت است (مانند بیع سلم) یا در مواردی که قبض هر دو عوض شرط است (مانند مبادله اموال ربوی و صرف) جایز

نیست. همچنین، در مراحله به امر خرید در مرحله وعده، بیع عربون جاری نمی‌شود اما در مرحله بیع پس از وعده جایز است.

شرایط جواز: بیع عربون تنها در صورتی جایز است که مدت انتظار محدود باشد. در صورتی که معامله تکمیل شود، مبلغ عربون بخشی از قیمت اصلی محسوب می‌شود. اگر مشتری از معامله انصراف دهد، مبلغ عربون حق فروشنده است.

۴. دیدگاه جمهور فقها

جمهور فقها (احناف، شافعی‌ها و مالکی‌ها) بیع عربون را جایز نمی‌دانند و معتقدند :

- ❖ مبلغ عربون در تمامی حالات بخشی از قیمت اصلی محسوب می‌شود.
- ❖ خيار شرط در بیع عربون به مشتری تعلق دارد.
- ❖ اگر مشتری معامله را تکمیل کند، پرداخت باقی‌مانده قیمت کالا بر او لازم است.
- ❖ اگر مشتری بر اساس خيار خود معامله را فسخ کند، فروشنده ملزم به بازگرداندن مبلغ عربون است. (عثمانی، ۱۳۳۶ه: ۱۱۹ - ۱۲۰)

۵. حکم بیع عربون در قانون مدنی

در مطالب پیشین اشاره شد که قانون مدنی افغانستان تعریف مشخصی از بیعانه (بیع عربون) ارائه نکرده است؛ اما احکام و آثار آن را به طور صریح بیان نموده است. بر اساس ماده ۵۳۰، قانون مدنی، حکم بیعانه به شرح زیر است:

۱. بیعانه به عنوان دلیل بر قطعیت عقد: تادیه بیعانه در زمان ابرام عقد به عنوان دلیلی بر قطعیت عقد محسوب می‌شود، مگر این که توافق طرفین یا عرف خلاف آن را تصریح کرده باشد.
۲. انصراف بیعانه‌دهنده: اگر بیعانه‌دهنده از ابرام عقد منصرف شود، حق استرداد بیعانه را نخواهد داشت.
۳. انصراف بیعانه‌گیرنده: انصراف بیعانه‌گیرنده، موجب پرداخت اصل بیعانه و معادل آن به بیعانه‌دهنده می‌شود (قانون مدنی، ۱۳۵۵، ماده: ۵۳۰).

در ماده ۵۳۲ آمده است: بیعانه به عنوان بخشی از قیمت مبیع در صورتی که تعهدی که به واسطه آن بیعانه پرداخته شده است نافذ گردد، بیعانه از اصل قیمت مبیع وضع می شود. (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۵۳۲)

فسخ عقد یا عدم امکان اجرا به دلایل غیر مرتبط با قصور طرفین در ماده ۵۳۳ قانون مدنی تصریح شده است: (هرگاه تنفیذ عقد بنا بر عللی که ناشی از قصور هیچ یکی از عاقدین نباشد غیر ممکن گردد یا عقد با اثر خطا و یا موافقه طرفین فسخ گردد بیعانه مسترد می شود.) (قانون مدنی، ۱۳۵۵: ماده ۵۳۳).

از مواد فوق حکم بیعانه چنین دانسته می شود:

۱. قطعیت عقد با پرداخت بیعانه: پرداخت بیعانه دلیلی بر قطعی بودن عقد محسوب می شود. اگر عقد تکمیل شود، بیعانه به عنوان بخشی از قیمت مبیع در نظر گرفته می شود.

۲. انصراف از ابرام عقد:

❧ اگر انصراف از طرف بیعانه دهنده باشد، او حق استرداد بیعانه را ندارد.

❧ اگر انصراف از طرف بیعانه گیرنده باشد، بیعانه دهنده مستحق دریافت اصل بیعانه یا معادل آن خواهد بود.

۳. فسخ یا عدم امکان اجرای عقد: اگر عدم اجرای عقد ناشی از قصور هیچ یک از طرفین نباشد یا عقد به دلیل خطا یا توافق طرفین فسخ شود، بیعانه به بیعانه دهنده مسترد می شود.

۶. تحلیل و مناقشه

قانون مدنی افغانستان در مورد بیعانه با قول حنابله هم خوانی بیشتری دارد؛ زیرا این قانون، بیعانه را در شرایط مشخصی جایز دانسته و پرداخت آن را نوعی تعهد ضمنی برای قطعیت عقد تلقی کرده است. از سوی دیگر، توجه به حقوق طرفین در شرایط خاص مانند انصراف یا عدم امکان اجرا، بیانگر تلاش قانون گذار برای ایجاد تعادل میان طرفین قرارداد است. به نظر می رسد که نظر جمهور فقهاء به صواب نزدیک تر است.

۱-۶. مقایسه دیدگاهها در مذاهب فقهی اسلامی و قانون مدنی

- جمهور فقهاء: بیع عربون را ممنوع دانسته و آن را نوعی اکل مال به باطل می دانند.

- حنابله و قانون مدنی افغانستان: هر دو به جواز بیع عربون در شرایط خاص قائل هستند، به ویژه اگر تعهدات طرفین به وضوح مشخص باشد.

۲-۶. موضع قانون مدنی در قبال اختلافات فقهی

قانون مدنی افغانستان با اقتباس از دیدگاه حنابله، تلاش کرده است که احکام بیعانه را با توجه به شرایط تجاری و عرفی تنظیم کند. این قانون میان دو حالت قطعیت عقد و انصراف یا فسخ آن تمایز قائل شده و حقوق طرفین را در هر حالت به طور شفاف تعیین کرده است.

۷. نتیجه گیری

۱. هر یک از مذاهب اهل سنت، بیع عربون (بیعانه) را به صورت جداگانه تعریف کرده اند. هر چند از نظر عبارات تفاوت هایی در این تعاریف وجود دارد، اما از لحاظ مفهوم و معنی اختلافی به چشم نمی خورد. بر اساس این تعاریف، بیع عربون به این صورت تعریف می شود: بیع عربون حالتی است که خریدار مقداری از قیمت کالای مورد نظر را به عنوان پیش پرداخت به فروشنده می پردازد. این پرداخت با این شرط صورت می گیرد که اگر عقد نهایی شود، این مبلغ بخشی از ثمن محسوب شود، و اگر عقد نهایی نشود، مبلغ پرداخت شده به عنوان هبه به فروشنده تعلق گیرد.

۲. قانون مدنی افغانستان تعریف مشخصی از بیعانه ارائه نکرده است. با این حال، از محتوای مواد ۵۳۱، ۵۳۲ و ۵۳۳ می توان نتیجه گرفت که بیعانه به معنای پرداخت بخشی از قیمت کالا به فروشنده به منظور تأکید بر قطعیت عقد است. در صورت انعقاد عقد، مبلغ بیعانه از قیمت کل کسر می شود، اما اگر مشتری از انعقاد عقد منصرف شود، حق استرداد آن را نخواهد داشت.

۳. در صورت پرداخت بیعانه و سپس انصراف مشتری از عقد، دو نظریه درباره حکم این معامله وجود دارد:

❖ **حرام بودن بیع عربون:** جمهور فقها (احناف، مالکی ها و شافعی ها) بیع عربون را به دلایلی از جمله وجود غرر و اکل مال به باطل، ممنوع می دانند.

- ❖ **مباح بودن بیع عربون:** حنابله این معامله را جایز و مشروع می‌دانند. به نظر آنان، این نوع معامله مشمول قاعده "اصل در اشیاء اباحت است" قرار می‌گیرد. در این میان، احناف بیع عربون را فاسد، مالکی‌ها و شافعی‌ها آن را باطل، و حنابله آن را صحیح می‌پندارند.
۴. بر اساس مواد قانون مدنی، پرداخت بیعانه به‌عنوان دلیلی بر قطعیت عقد تلقی می‌شود. در صورت نهایی شدن عقد، مبلغ بیعانه از قیمت کل کسر می‌شود و جزئی از ثمن معامله به شمار می‌رود و آثار بیعانه چنین واضح ساخته است:
- ❖ اگر **بیعانه‌دهنده** (خریدار) از انعقاد عقد منصرف شود، حق استرداد بیعانه را ندارد.
- ❖ اگر **بیعانه‌گیرنده** (فروشنده) از انعقاد عقد منصرف شود، موظف است اصل بیعانه یا معادل آن را به مشتری بازپرداخت کند.

سرچشمه‌ها

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابن رشد، محمد بن احمد، بن محمد بن احمد، (۱۴۱۵ هـ). بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، بیروت-لبنان.
- (۳) ابن قدامه المقدسی، موفق الدین ابی محمد بن عبدالله بن احمد، (۱۴۰۵هـ). المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل شیبانی، ج ۶، دارالفکر، بیروت.
- (۴) ابن قدامه، ابو محمد موفق الدین عبدالله بن احمد بن محمد، (۱۳۸۸هـ) المغنی لابن قدامه، ج ۴، مکتبه القاهره.
- (۵) ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۰هـ). لسان العرب، ج ۱۳، دار صادر، بیروت.
- (۶) أخرجه الإمام مالک فی الموطأ، فی کتاب البیوع، باب ما جاء فی بیع العربان، (۸۷۹/۴)، رقم (۵۴۱).
- (۷) بیهقی، ابوبکر. (۱۴۴۳هـ ش). سنن الکبری بیهقی. قاهره چاپ اول.
- (۸) زحیلی، وهبه (۱۴۳۱هـ)، *الفقه الحنفی المیسر*، ج ۱، دمشق، دار الفکر، ص ۴۶۱.
- (۹) زحیلی، وهبه، (۱۴۰۴هـ) الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴، دمشق، دارالفکر.
- (۱۰) سجستانی، سلیمان بن اشعث. (۱۴۱۸هـ ق). سنن ابوداود. لبنان: بیروت. بشار عواد معروف، دارالغرب اسلامی.
- (۱۱) شربینی، محمد خطیب، (بی تا). مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ج ۲، دارالفکر، بیروت.
- (۱۲) شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله، (۱۴۱۳هـ). نیل الاوطار، ج ۵، دارالحديث، مصر.
- (۱۳) شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله، (۱۴۱۳هـ). نیل الاوطار، ج ۵، دارالحديث، مصر.
- (۱۴) عتر، محمد ماجد، (۱۴۲۶هـ) المفصل فی الفقه الحنفیه، مکتبه دار المستقبل، حلب-اقبول.
- (۱۵) عثمانی، محمد تقی، (۱۳۳۶هـ) فقه البیوع علی المذاهب الاربعه، ج ۲، مکتبه معارف القرآن، کراتشی - پاکستان.
- (۱۶) قانون مدنی افغانستان، (۱۳۵۵هـ).
- (۱۷) قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح، (۱۳۸۳هـ). الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، دارالشعب، القاهره.
- (۱۸) قرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر بن عاصم النمري، (۱۴۲۱هـ). الاستذکار، ج ۶، دارلکتاب العلمیه - بیروت.
- (۱۹) قزوینی، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۸هـ). سنن ابن ماجه. لبنان: بیروت. بشار عواد معروف، دارالغرب اسلامی.

۲۰) مصنف ابن ابی شیبہ، المسمى: الكتاب المصنف فی الاحادیث و الآثار، ج ۵، ص ۷، احادیث شماره

۲۳۱۹۵ و ۲۳۲۰۰)

۲۱) نووی، ابو زکریا محیی الدین یحی بن شرف، (بی تا). تهذیب الاسماء و اللغات، ج ۳، دارالکتب

العلمیه، بیروت - لبنان.